

قضاوت چندان آسان نیست!

*علی پایا

در شماره ۳۹-۴۰ مجله نقد و نظر (ویژه علم اصول و دانش‌های زبانی (۲) مقاله‌ای انتقادی با عنوان «این جا قضاوت دشوار نیست! امتحان کنید!»، به قلم آقای فردین جهان‌بین، چاپ و منتشر شد که نگاهی نقادانه به کتاب فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم‌اندازها^۱ (کتاب برگزیده سال ۱۳۸۳ در زمینه فلسفه) داشت. در پاسخ به این مقاله مفصل، جوابیه و متن کوتاهی از طریق منابع غیررسمی در اختیار مجله نقد و نظر قرار گرفت، اما از آن جا که چندان قابل استناد و ارائه نبود، مجله نقد و نظر به چاپ آن مبادرت نکرد و منتظر جوابیه رسمی نویسنده محترم کتاب (جناب آقای دکتر علی پایا) ماند، تا این که چندی پیش از طریق پست الکترونیک، جوابیه‌ای به شرح ذیل، از سوی جناب آقای پایا به دفتر مجله ارسال شد. نقد و نظر، ضمن حفظ بی‌طرفی و بر اساس وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای خود و جهت آگاهی اذهان عمومی، متن این جوابیه را به‌طور کامل منتشر می‌سازد.



نقد و نظر / سال دوازدهم / شماره سوم و چهارم، ۳۱۴

متن جوابیه جناب آقای علی پایا

مقاله نسبتاً مفصل آقای جهان‌بین حاوی دو نکته است. نکته نخست آن که نویسنده محترم با آوردن فقرات مفصلی از یک کتاب انگلیسی با مشخصات ذیل:

Wedberg Anders, *A History of Philosophy, From Bolzano to Wittgenstein*, Oxford University Press, 1984.

و مقایسه آنها با عباراتی از مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» کوشیده‌اند چنین القاء کنند که نگارنده خدای ناکرده مرتکب سرقت ادبی شده است.

آنچه موجب شگفتی است آن است که آقای جهان‌بین که به ظاهر با دقت دو متن را مقایسه کرده‌اند، کوچک‌ترین اشاره‌ای به یادداشت صفحه ۳۵۲ مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» نمی‌کنند که در آن، کتاب فوق با مشخصات کامل به‌عنوان یکی از منابع مورد استفاده نگارنده معرفی شده و در ادامه این معرفی آمده: «از این منبع در تکمیل برخی بخش‌های دیگر مقاله حاضر نیز بهره گرفته شده است.»

کسانی که با سبک نگارش مقالات یا کتاب‌های علمی - تحقیقاتی در سطح بین‌المللی و در کشورهای کپی‌رایت در آن رعایت می‌شود آشنایی دارند به‌خوبی می‌دانند که اگر منبعی مورد استفاده مکرر و گسترده نویسنده‌ای در یک اثر وی باشد، نویسنده به‌جای ارجاعات متعدد به این منبع، تنها یک نوبت و با عباراتی مشابه آنچه که در بالا ذکر شده، به استفاده خود از آن اشاره می‌کند و حق نویسنده منبع مورد استناد را مورد اذعان قرار می‌دهد.

آنچه که در خلال «مقایسه»‌های آقای جهان‌بین از متن مقاله نگارنده و کتاب انگلیسی از چشم خواننده فارسی پنهان می‌ماند، استفاده گزینشی نگارنده از بخش‌هایی از مطالب کتاب ودبرگ (Wedberg) در فصل مربوط به کارنپ است. ودبرگ هرچند یک فیلسوف تحلیلی است اما به فلسفه تحلیلی عمدتاً از منظر «فلسفه زبان» نظر می‌کند و بحث‌های خود را در همین چارچوب به پیش می‌برد، در حالی که نگارنده بیشتر از زاویه «فلسفه علم» (در سنت تحلیلی) به فلسفه کارنپ توجه دارد و بحث‌های فلسفه زبانی کارنپ را عموماً با نگاه فیلسوفان علم رئالیست مورد توجه قرار می‌دهد. رویکرد اصلی مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» علیرغم بهره‌گیری از کتاب ودبرگ در برخی بخش‌های آن، چنین رویکردی است که با ذائقه کلی نویسنده سوئدی تفاوت دارد.





نکته دومی که در مقاله آقای جهان‌بین به چشم می‌خورد آن است که به ادعای ایشان، نگارنده با حذف چند سطر اساسی از مطلب منع مورد استفاده خود، موجب انتقال نادرست مطلب به خواننده شده. سیاق نگارش عبارت‌های آقای جهان‌بین به گونه‌ای است که احیاناً به خواننده چنین القا می‌کند که این حذف از سر عدم اطلاع نگارنده از موضوع رخ داده و «پرش» صورت گرفته در مقاله کارنپ (به تعبیر آقای جهان‌بین) به علت عدم توجه به اهمیت سطور محذوف رخ داده است.

البته، حذف سطرهای مورد اشاره آقای جهان‌بین همان‌گونه که ایشان اشاره کرده‌اند مخلّ معنای بحث است، اما در این زمینه تفصیری متوجه نگارنده نیست و سهو تایپست و حروف‌چین محترم چنین نقیصه‌ای را موجب شده. کافی است آقای جهان‌بین یا خوانندگان دیگر به چاپ اول مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» در فصلنامه ارغنون، شماره ۷ و ۸، پائیز و زمستان ۱۳۷۴ مراجعه کنند، تا سطرهای مورد اشاره را در متن بیابند.

همین جا باید یادآور شوم که متأسفانه علیرغم زحمات ناشر محترم، در برخی دیگر از بخش‌های کتاب فلسفه تحلیلی افتادگی‌های دیگری نیز پدید آمده که نگارنده امیدوار است آنها را در چاپ بعدی این کتاب و نیز در جلد دومی که برای آن در دست تهیه دارد، تدارک کند.

نگارنده، به‌عنوان یک فیلسوف تحلیلی، همواره از نقد و تصحیح دیدگاه‌های خود استقبال می‌کند. این نکته‌ای است که صاحب این قلم همواره در کلاس‌های درس خود در ایران و خارج از ایران با تأکید به دانشجویان یادآور می‌شود، اما فرق است میان نقدی که به نیت اصلاح و رفع اشتباه عرضه می‌شود و مطلبی که احیاناً به نیت تخریب شخصیت القاء می‌گردد.

با توضیح مختصری که داده شد، به نظر می‌رسد بر خلاف آنچه که آقای جهان‌بین با عنوان انتخابی برای مقاله خود مدعی شده‌اند، قضاوت چندان آسان نیست، به‌خصوص اگر که ممتحن، از جهات و زوایای مختلف چشم‌پوشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهان‌بین، فردین «این‌جا قضاوت دشوار نیست! امتحان کنید»، نقد و نظر، سال دهم، شماره سوم و چهارم، پائیز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۲۳-۳۴۸.

۲. پایا، علی، فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم‌اندازها، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.